

کتاب الصيدنة بیرونی و ترجمه فارسی آن

کتاب الصيدنة ابوریحان محمد بن احمد البیرونی که از آثار دوره اخیر حیات اوست، در فهرست کتابهای ضبط نشده (۱) . اما از اقتباسهایی که در دست است (۲) و همچنین از کتاب مجمع الفرس سروری کاشانی که این کتاب را یکی از مآخذ خود خوانده و از آن نکته‌ی نقل کرده است (۳) معلوم می‌گردد که بیرونی چنین کتابی نبشته بوده است .

(۱) لیکن به قول حاجی خلیفه در کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۴۳۳ ترجمه ترکی) کتاب الصيدله در جز و آثار الباقیه شامل بود . شاید کتاب الصيدله حاجی خلیفه با کتاب الصيدنه یکی باشد . اما در آثار الباقیه چاپ دهکده سنجاوله به کتاب الصيدله اشارتی رفته است و نه به کتاب الصيدنه حتی در فهرست مطولی که بیرونی از آثار خودش تویه کرد و همچنان در فهرستی که از آثار محمد بن زکریای رازی در ۴۷۷ هـ به عمر شصت و پنج سالگی بپرداخت نامی از کتاب الصيدنه برده نشده . این فهرست در مقدمه سخا و بر آثار الباقیه و همچنان در لغتنامه دهخدا و البیرونی، برنی آمده است .

(۲) این مصیبه در طبقات الاطبا - ج ۲ ص ۲۰ ، کتاب الصيدنه فی الطب استقصی فیہ معرفة ماهیات الادویة و معرفة اسمائها و اختلاف آراء المتقدمین و ما تکلم کل واحد من الاطبا ، و غیره .
فیہ و قدرته علی حروف المعجم .

(۳) سروری شانزده کتاب مأخذ داشته که از دوازده آن نام گرفته و از چهار دیگر نه . لیکن در نسخه‌ی بی که در کتابخانه مد رسه سیه سالار در توران ضبط است نام چهار کتاب دیگر نیز آمده که یکی از آنها « ترجمه صیدنه ابوریحان » است . ناشر ترکی کشف الظنون نیز عنوان چهار مأخذ بی نام مجمع الفرس را یاد کرده است . (ج ۲ ص ۱۰۰۷)

بیورج (۱) در سال ۱۸۹۹ نسخه‌ی از ترجمه فارسی این کتاب را از لکنهو بدست آورد و با معرفی آن که اکنون در بریتش موزیم محفوظ است (۲) تحت عنوان «یک اثر ناشناخته از بیرونی» (۳) وجود کتاب‌الصیدنة بیرونی را ثابت کرد و چایی برای تردید باقی نگذاشت. دکتر ذکی ولیدی طوغان، استاد پوهنتون استانبول، در سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ نسخه‌ی پیرارجی از متن عربی این کتاب را در کتابخانه کوردوشلوجا مع در بروسه، اناطولیة، کشف کرد که در ۶۷۸ هـ در قونیه وسیله غضنفر التبریزی طبیب (۴)، معاصر مولانا، نامی روم (متوفی ۶۷۲ هـ) که به قول رشیدالدین در سال ۶۷۲ در گذشته، نبشته شده است. دانشمند ترک بخشی از این کتاب را پس از تصحیح و مقابله با نسخه فارسی موزه بریتانیا در سال ۱۹۳۷ منتشر کرد و کار قابل قدری درین زمینه انجام داد (۵). لکن پیش از آنکه نسخه دکتر طوغان از طبع برآید، دکتر مایر هوف مستشرق الدانی، نسخه بروسه را که به ترتیب خاص بدست آورده بود چاپ کرد و به کمک دکتر ماکس کراوس، پاول کراوس و شرف‌الدین یالتکایا در سال ۱۹۳۲ آنرا به جرمنی ترجمه نمود. دکتر مایر هوف در ۱۹۴۱ ترجمه کامل کتاب را به عهده گرفت و دکتر پاول کراوس بر آن شد که این ترجمه را در تصحیح متن، مورد استفاده قرار دهد. ولی قبل از آنکه ترجمه تمام گردد (۱۹۴۳) تصحیح نه فصل اول کتاب به پایان رسیده بود و در اکتوبر ۱۹۴۴ با درگذشت نابهنگام و غم‌انگیز

(۱) H. Beveridge (۲) به علامه or ۸۴۹ هـ

(۳) JRAS سال ۱۹۰۲ ص ۳۳۳ - شهرت و اهمیت آن را ز این نکته توان دانست که پروفیسر برنارد لیویس فصل مربوط به تمدن اسلام را در کتاب خود موسوم به «عرب در تاریخ» با نقل قسمتی از کتاب‌الصیدنة آغاز میکند که در آن راجع به انتقال علوم در زبان عربی، سخن رفته است.

(۴) کتاب فاضل، چنانکه به خط خویش در حاشیه یکی از کتابهای بیرونی نوشته است، آثار وی سخت علاقمند بوده (رک، مقدمه - ضاویر کتاب الآثار).

(۵) به نشریه شماره ۵۳۱ - نجمین با ستا نشناسی هند و همچنان به کتاب Biruni's Picture of The World مراجعه شود. (یعنی «سنة العموره علی البیرونی» که بخشی از کتاب «تجدید نوایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن» اوست. مترجم)

داکتر کراوس، کار تصحیح او متوقف شد. درعین حال داکتر مایر هوف ترجمه انگلیسی فصل اقونیطون کتاب الصیدنه را در مجله اسلامیک کلچر (اکتوبر ۱۹۴۰) طبع کرد که عظمت دانش و وسعت معلومات بیرونی را در کلیه موضوعات مربوط به هند نشان میدهد.

علاوه بردانشو رانی که نام بردیم، داکتر کرنکونیز بدین کتاب دلچسپی گرفت و در سال ۱۹۳۰ به استنساخ نسخه علیگره آغاز کرد ولی نتوانست بانجام رساند؛ سپس در مقالتی که پس از مرور کتاب الصیدنه در مجله اسلامیک کلچر، اکتوبر ۱۹۴۱ نوشت چنین نتیجه گرفت که پاره‌هایی از این کتاب کلمه به کلمه در کتاب بیرونی راجع به جواهر، آمده است. بار دیگر ملاحظات خویش را بر اساس نسخه بریتش موزیم درباره «چای» بنوشت که با ترجمه مختصر آن در همان مجله چاپ شد. در شماره اپریل ۱۹۳۶ اسلامیک کلچر تبصره‌یی بر مقاله داکتر مایر هوف که در مجله مذکور به طبع رسیده بود بنوشت و در آن به نکاتی چند که از نظر مشا رالیه فرار نموده بود اشارت کرد. سرانجام داکتر کرنکو تعهد کرد: مقدمه کتاب الصیدنه را که مایر هوف به جرمنی ترجمه کرده بود به انگلیسی در آرد و آن را با نسخه اصل عربی بروسد و همچنان با نسخه فارسی محفوظ در دربریتش موزیم مقابله نماید. *سال جامع علوم انسانی*

در میان نویسندگان هندی، حسن برنی شاید نخستین کسی است، که در سال ۱۹۱۴ برتر جمه فارسی کتابخانه پوهنتون اسلامی علیگره در کتاب خویش بنام البیرونی معرفی کوتاهی بنوشت. داکتر سید عبدالله هنگا میکه متون عربی و فارسی مطبوع کتاب الصیدنه مورد استفاده اش بود، پاره‌یی از کلمات هندی را که درین کتاب هست در ضمن مقالتی در مجلد مدرسه شرقی *طبع کرد* وی به ترجمه فارسی نسخه لاهور که در تصرف پرو فیسر محمد شفیع است، ولی راجع بدان شرحی ننوشته، نیز مراجعه نمود.

مدتها بود که دانشمندان فقط نسخه منحصر بفرد ولی ناقص اصل عربی را که
داکتر طوغان دربروسه کشف کرد می شناختند ولی درین اواخر نسخه دیگری
درموزه بغداد ✽ شناخته شده که در تصحیح متن عربی و پر کردن خالیگاههای
نسخه بروسه سخت سودمند مینماید.

ازترجمه فارسی کتاب الصیدنه وجود سه نسخه محقق است: نخست، نسختی
که در بریتش موزیم محفوظ است و بیورج آترا در سال ۱۹۰۲ م در فی کرد. این
نسخه که قطع آن مربع است مشتمل بر ۱۷۶ ورق و هر صفحه محتوی ۲۴ سطر است
به خط خوش نستعلیق؛ باری به یکی از کتابخانه های شاهی او ده تعلق داشت
و چندین مهر مالکیت به رنگ سرخ دران دیده می شود. در صفحه اول نشان سه
مهر سلطنتی بچشم می خورد: مهر بالای صفحه معیوب شده اما چنین مینماید که
از امجد علی شاه بوده باشد درمهر وسط صفحه که از واجد علی شاه است بیت ذیل
خوانده می شود:

خاتم واجد علی سلطان عالم بر کتاب

ثابت و پر نور بادا تا فروغ آفتاب

مهر سو می باز از امجد علی شاه است بدین عبارت فریبی

ناسخ هر مهر شدل جوشد مزین بر کتاب

خادم امجد علی شاه زمان عالی جناب

در بالای صفحه دیگر، مهر نصیرالدین حیدر بنظر می رسد که نقش آن چنین است:

خوش است مهر کتبخانه سلیمان جانا

بهر کتاب مزین چو نقش بسم الله

در صفحه آخر سه مهر سلطنتی خوانده می شود: بالای صفحه مهر واجد علی شاه،
در وسط از امجد علی شاه و در پایان از نصیرالدین حیدر است و همه دارای عباراتی

✽ این خبر را دوستم داکتر مختار الدین احمد اسناد پوهنتون اسلامی علیکوه نقل
کردند از ایشان ممنونم.

است که در فوق یاد کردیم *

نو یسنده در پایان نسخه تاریخ استنساخ کتاب و نام خود را چنین ذکر میکند: «تمام شد کتاب صیدنه ابوریحان بیرونی از نوایش گذارش جناب اقدس و اطهر میر صاحب و قبله میر محمدعلی صاحب فاضل امدلله تعالی ظل ظلاله و افضاله بتاریخ هفدهم شهر شوال روز جمعه سنه (۱۱۹۰) از فضل الهی بخط اعاصی خواجه محمد سمیع دهلوی با تمام رسید. در سال ۱۹۴۶ که پروفیسر کرنکو ملاحظان خویش را بنوشت اوراق نسخه در اثر رسیدن نم بهم چسپیده بود اما اکنون چنان نیست هر چند نباید تا گفته گذاشت که خواندن درست و کامل آن ناممکن مینماید زیرا چند جا بعضی کلمات محو شده است. در پنج ورق آخر افتادگیهایی بنظر میرسد که ناقص بودن متن مورد استفاده کاتب را نشان میدهد.

داکتر طوغان که اصل عربی و ترجمه فارسی هر دو را درست داشت در مقدمه کتاب «نقشه دنیا» بیرونی راجع به وضع پاس آورتر جمعه بحث کرده و به تفصیل نشان داده است که در کجاها ترجمان، مقصد مولف را درست نفهمیده و معلومات جغرافی را مانند نکات ادبی حذف نموده و کتاب را به ذوق خویش تغییر داده و از آن بزعم خود یک کتاب «علم الادویه» ساخته است. حتی معلومات نوی بر آن افزوده که در اصل نبوده است؛ همچنین از چند مؤلف دیگر استفاده کرده که بیرونی از آنها یادی ننموده است مانند مخلص مصری. مؤلف کتابی در علم ادویه که در آن نام داروها به یوفانی و لاتینی نوشته بوده و ابو مسلم سالم مصری، ابوسلیمان، ابو منصور ازهری و هکذا.

* علاوه برین، چند مهر غیر خوانا و بعضی نبشته های دیگر در آن دیده می شود که یکی از سال ۱۸۶۹ میلادی است و بدست پسر مسیح الدوله نوشته شده این مرد، یز شک در بار واجد علی شاه بوده و کتاب جامعی در طب بنام «فیوض جلیله سلطان عالم» داشته که مقدمه آن در چند صد صفحه در کتا به خانه شخصی پرو فیسر سید مسعود حسن رضوی در لکنه موجود است. نام کتاب حاوی ماده تاریخ تا لیب آن است که ۱۲۶۵ هجری بوده.

* بیورج آنرا (۱۱۹۰) خوانده لیکن در نسخه قلمی یکی از بار قام افتاده است.

نسخه دوم در کتابخانه یونیورسیتی اسلامی علیگره موجود است و جناب سید حسن برنی آنرا در کتاب «البیرونی»، خود باختصار شناختانده اند. این نسخه در اول جمادی الاول ۱۰۰۸ هـ به خط زیبای نسخ نوشته شده و مشتمل بر ۹۸ ورق و هر صفحه بی حاوی ۱۹ سطر است. در چند صفحه بعضی جاها را خالی مانده اند و آن دلیل نقص نسخه است. تواند بود که مستنسخ در دست داشته، عناوین و نام های ادویه به رنگ سرخ نوشته شده و روی پمرفته نسخه نسبتاً سالمی است. هر چند قرائت کامل و تمام آن غیر ممکن بنظر می رسد.

نسخه علیگره عبارت از ترجمه مختصر فارسی صیدنه است اما این اختصار را کتاب نسخه حاضر نکرده. این نسخه رونویس نسخه است که مترجم نام خود را در مقدمه آن «بن الکاکی» نوشته بوده. فاصله ها و خالیگانهایی که بعضاً در آن دیده میشود دلیل دیگری است که تلخیص و کوتاه شدن ترجمه به مستنسخ تعلق ندارد. بهر حال مقدمه مفصلی که در نسخه «موزه» ۱۶ صفحه را گرفته درین ترجمه فقط سه صفحه است و کلیه معلومات مربوط به گزارش رجال و مطالب مربوط به زبان شناسی حذف گردیده است حتی شرح بعضی از گیاهها را نیز از قلم انداخته اند. مثلاً در فصل اول، پیش از ماده اباغلس و همچنان پس از واژه مذکور شش ماده را حذف کرده اند و نیز اسنان الذئب و اسد الارض پیش از اسبندان و اسپید مرد پس از آن ساقط شده؛ کذا اسطیا طیقوس پیش از اسقیل و جز اینها. صاب، صحناة، صمصاف و سقر در تحت حرف «ص»؛ ضبر در زیر حرف «ض»؛ طلع و طلا در ذیل «ط» و دع، و رل و وسمه در تحت «و»؛ هازبا، هرطمان و هیو فقسطیداس در ذیل «ه»؛ پیروج در زیر «ی» دیده نمیشود. بهمین نحو جزئیات شرح هر نبات را کوتاه کرده و معلوماتی را که ابو بکر در اثر تجارب شخصی اش تهیه کرده بود

✽ برای من دشوار است بایرو فیسر کرنکو در قسمت اینکه ایشان نسخه مذکور را در سال ۱۹۳۰ دیده و آنرا «کرم خورده و بد خط» و نمود فرموده اند موافقت نمایم.
✽ عبارتی که در خانه نسخه مسطور است برای ثبوت قدامت آن، برهان قاطع است و گواهی میدهد که ترجمه را در روز گاران پیشین بدین صورت کوتاه کرده اند.

از نسخه علیگره انداخته اند و مانمو نه بی از دو ترجمه را برینجا نقل میکنیم:

جا: نوعیست از نباتات و معدن او در زمین

نسخه بریتش موزیم

چین است و این چین را تازیان معرب کنند

بصاد گویند صاء و این نبات را بیزند و در و عالی چارسوخشک کند و غیر آن نیابت داد بلکه در منفعت به باشد و مضرت شراب را دفع کند و باین جهت او را بر زمین تبت برند زیرا چه عادت اهل تبت آنست که خمر بسیار خورند و دفع مضرت او را هیچ دارویی ازو نافع تر نیست و طایفه که او را بر زمین تبت برند در قیمت او جز مشک نگیرند و در کتاب اخبار چین آورده است نبات او از نبات سیست مقداری باریکتر باشد و طعم او خوشتر بود و در و اندک طعم تلخ باشد چون او را بجوشند تلخی از او برود و او را در وقت تری بر همدیگر بنهند و بکوبند و بآب گرم بناشتا شربت کنند و بخورند و شربت او این نوع حرارت باطن را بنشاند و خون را صاف کند و طایفه که در نواحی چین به منبت این نبات رسیده اند چنین گویند که مقر باد شاهان ایشان در شهر ینجوست و در میان این شهر وادی است و آبی بزرگ درو می رود چنانکه دجله است در میان بغداد و بر هر دو طرف وادی خماران باشند و خانه داران و مواضعی که در آن مواضع چاخورند چنانکه در زمین هند بنگ رادر مواضع معلوم بسر خورند و خراج آن موضع بخزانه ملک باز گردد و بیع و شرابه نبات چا حرام است در آن موضع مگر با پادشاه آنحضرت و حکم ایشان در آن کس که بی اجازت و فرمان ملک نمک یا نبات چا بخورد و بفروشد یا بدزد آنست که آن دزد را بکشند و گوشت او را بخورند و دخل این مواضع که گفتیم با دخل معادن زرو نقره خالص مر آن پادشاه را و چندی در قراباذین خود بگوید: چانباتی است از انواع نباتها، معدن او در بلاد چین است و او را در زمین قرصها کنند و باطراف برند و چنین گویند که سبب معرفت او آن بود که پادشاه چین بر یکی از خواص حضرت

* نسخه بریتش موزیم محتوی بیش از ۸۳۰۰ سطر است در حالی که نسخه علیگره از ۲۵۰۰ سطر بیشتر نیست؛ آغاز و انجام هر دو نسخه تفاوت ندارد.

خود خشم گرفت مثال دادتا او را از حضرت اونفی کردند و در کوهها بگذاشتند و آن شخص زرد چهره بود و ملول، روزی از غایت گرسنگی بر اطراف کوهی میگشت تا ناگاهی این نبات را بیافت و غذای خود از ساخت تا در اندک مدت آثار صحت و حسن صورت بتمام و کمال ظاهر شد. تایکی از مقربان حضرت آن پادشاه بر او گذر افتاد و حال او را آنجنس معائنه کرد و خبر او به پادشاه رسانید و از تبدیل حالت و هیئت آن شخص خبر داد، پادشاه از آن حال متعجب شد و مثال داد تا بی توقف او را حاضر آوردند. چون پادشاه او را دید هر چند نگاه کرد از غایت تفاوتی که در منظر او پدید آمده بود نتوانست شناخت تا از حال او سوال کرد و از سبب صحت او استکشاف نمود ... آنگاه چای را در معرض تجربه آوردند تا تمامت منافع او معلوم کردند و او را در ادویه بکار بردند.

نسخه علیگره «جا: نوعیست از نباتات و منبت او در زمین چین است و فعل چون فعل بنگ است که مردم را بی خبر کند.»

هر چند تا وقتی که متن کامل اصل نسخه عربی الصیدنه در دست نباشد با اطمینان تمام نمیتوان گفت که آیا کاشانی چیزی به تشریحات بیرونی افزوده است و یا چیزی از آن کاسته؟ ولی با این وصف نکتة مسلم اینست که نسخه علیگره چه در قسمت شماره گیاه ها و چه در حصة بیان خصوصیات آنها - از اصل عربی کوتاه تر است. فی المثل: دو ماده اوسپیدو آلا* چنانکه از کتاب نقشه دنیای بیرونی برمیآید، حذف گردیده و همینطور واژه های چار گانه: ودع، وسمه، هلام و هو مجوس

* حرف الف در نسخه بروسه ۲۶ ورق را گرفته حالانکه در نسخه علیگره این حرف صرف ۸ ورق است. لیکن باتکالی این سند به یقین نمیتوان گفت نسخه بروسه (دست کم در مواردی که خالیگانه وجود ندارد - و اگر فرضاً ده کتر طوغان تمام مواد را، لا اقل هنگامی که در اوراق عدم تسلسل وجود نیست بدست داده باشد) همان متن اصلی خود ابو ریحان باشد زیرا چنین مینماید که آن از نسخه بعدی کوتاهتر خواهد بود بدین معنی که در نسخه موزة بریتانیا در ذیل بعضی از گیاهها شرحی خواننده میشود که بگمان غالب باید از خود بیرونی باشد. چنانکه در لغت طرائث جمله ذیل آمده: «ابو ریحان گوید طرائث چیزی است که از درخت سمر پهلایید» و این ماده در کتاب «نقشه دنیای» بیرونی نیست.

در نسخه علیگره ذکر و بیان نشده . مقایسه بی درمیان شرح یک ماده نشان میدهد که نویسنده نسخه کوتاه شده فارسی صیدنه چگونه شرحها را مختصر کرده است .

نسخه بر و سه : بنوس : نوعان احدهما ملمع سواد

فی صفره تلمیع الجزع و ربما تلاصق

لوناه باستواء و ربما اختلط بالتعاریح و یجلب هذا النوع من سواحل الزنج و جزایرهم یسمى بلغتهم منکیوا شجرة كشجرة العناب و بزره کبزر الحنا . و منه هناك صنف

لطیف موشی لحمرة لکیة فی بیاض صندل بزره کالفلفل و یستعمل فی فصب السکا کین و سیات القسی و ربما یمى شوخطا و لیس بالشوخط الذى تعمل العرب

منه قسیمهم و فی سفر الملوك من الكتب التابعة للتوریة فی جملة ما حمل لسلمین بن داؤد علیه السلام من ارض الهند . خشب معور عمل منه فی المیکل آلدت و انه

لم یجئى ارض اسرائیل بعد ذلك مثله و قال المفسرون ان هذا الخشب یمى بالسریانیة فیتنوثا یحمل من مملكة النساء التى فی داخل الصين یضئى کاللولو و یطهر فیه

تصاویر من الاصباغ یفوح منه رایحة طيبة و لایقف علی الماء و ما ظنه الا لابنوس و ضیاؤه و صفالته و جمیع انواع الابنوس ترسب بثقلها فی الماء و لایطفو و خشب العناب

یشابهها فی الثقل و الریشوب و الترمکیب من اللونین ابیض و احمر ترکیب اسقامة کالتلاصق و لایتخلف عنه شیئ من الذى تنحت الهنود منه قوایم نعومتهم النخ *

نسخه علیگره : « آبنوس : اگر او را بسایند و بآب بخورند معده را قوی کند

و اگر صلایه کند و در چشم کشد منقعت کند و اگر خردۀ

اورا در تابه بریان کند و بشوید و در چشم کشد که چشم را ببرد و بعضی اهل لغت او را ساسیم و ساسب گویند . »

از نمونه بی که نقل کردیم روشن شد که نسخه علیگره بسیار باختصار ترجمه گردیده ؛

مؤلف در پایان کتابش این نکته را چنین باز گوید : « این صیدنه را بر سبیل ایجاز

نوشته شد و آنچه در بابستر و محتاجتر بود یاد کرده شد تا زود مقصود بحاصل آید . »

رویه په کار شوې ده ، ویل کېدلی شی چه د واقدی (المغازی) تاریخ پخپله نوع کېنې بی ساری دی . دده کاتب محمد بن سعد (۲۳۰ هـ) پخپل (الطبقات) نومی کتاب کېنې په سیرت النبی اود اصحابو اوتابعینو په حالاتو کېنې زیاتره په هغو موادو باندی اعتماد کړی دی چه مو لف جمع کړی وو .

سره ددی لکه چه پخپله واقدی وائی دده هغو ټولو وثائقو او اسنادونو استفاده وکړه چه په لاس کېنې ئی درلود .

دسترو کسانو اوطبقاتو په سوانج کېنې ددغو فرهنگنامود تصنیف فکر دتاریخ په فن کېنې دنوی تغییر نښه ده ، اود هغه ټینگ ارباط تائید کوی چه د هغه اوعلم حدیث ترمنځ موجود دی . ځکه چه دغه مواد په اصل کېنې د احادیثو د کولو ، نقد او تمحیص په غرض راټول شوی وو .

هغه اسلوب چه دابن سعد د کتاب دلومړی اودوهم ټوک په لیکلو کېنې په کار شوی دی له دووجهتو څخه مهم دی : یو داچه دغزاگانو تاریخ ئی د حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم په اوامر و ، نواهیواو لیکونو باندی مشتمل دی . بل داچه دغه جزاونه چه د هغه حضرت داوړواو کریمه اخلاقواودنبوت دنښو په باب کېنې لومړی ځل تالیف شوی دی یوداسې معتبر ماخذدی چه بایددی نبوی شمائلو د کتابو نو لیکونکی او (دلائل) لیکونکی ورته رجوع وکړی .

د تذکره لیکنې دغه نوی رویه چه ټولو وروستیو مؤرخینو دمعظم پیغمبر (ص) د حالاتو د شرح په لیکلو کېنې دهغې پیروی کړې ده . دغه څرگندوی چه پوهاند هؤلف دتاریخ لیکنې په اسلوبو کېنې پوره برخه اولوی لاس درلود .

د خلافت تاریخ : هغه بیلي بیلي رسای چه د حضرت رسول اکرم (ص) د رحلت نه

وروسته تدوین شوی اومونږ ورته دمخه اشاره وکړه ټول دعراقیانو کارونه د شام مصر اودنور وځایو دمؤلفانو کار مانی احادیث چه دمدينې دمحدثانو سرده هغو دارتباط په لحاظ دځینو مولفینو له خواتر استفادی لاندی نیول شوی دی د خلافت دزمانی په تاریخ باندی په پوهېدلو کېنې گټور دی . په مدینه کېنې په هغه زمانه کېنې

خطی و نائق او سندونه موجود ووچه مؤرخانو لکه واقدي هغوته رجوع کړې ده په اموي زمانه کښې په دمشق او عراق د واپو کښې داسې اسناد موجود ووچه بنائې وروستيو مصنفانو د تاريخي پېښو د بيانولو او د حج د اميرانو، حاکمانو، واليانو او دنورو دنومونو د یادولو د پاره د دقیقو مجموعو عوږه ترتيبولو کښې په هغو باندې اعتماد کړې دی. په دغه ځای کښې بايد د ابو مختلف څخه چه په (۱۵۷هـ) کال کښې وفات شوی او د کوفې د خلکو روایتو نه ئې راټول کړل او دده په مقابل کښې د حکم د زوی (عوانه) څخه ذکر وکړو چه په (۱۴۷هـ) کال وفات شوی او د شاميانو روایتو نه ئې جمع کړل او هغه زیاتره په عراق کښې د عربي قبائلو په باره کښې دی. هاشم کلبی دغه ټول روایتو نه نقل کړې دی، او هم بايد سيف بن عمر یاد کړو چه په (۱۸۰هـ) کال کښې وفات شوی او د تميمي قبیلې روایتو نه ئې د تاريخي قصې په ټول جمع او توزیع کړل. په هر حال دغه مجموعې د لومړي اسلامي پېړۍ په تاريخ کښې بې اهميته او بې ارزښته ندي.

د دريمې پېړۍ د لومړيو وختو څخه دمادې تمدن د خپرېدلو په تيره بيا په بغداد کښې (۱۷۸هـ) د کاغذ جوړولو د کار خانې د تاسيس په اثر د تالیف کار ترقي وکړه لکه چه د ادبياتو په څانگه کښې د دې دورې څخه د ارزښت وړ مخطوطات موجود دي، البته دغې مسئلې د را وپانو په وسيله د نورو د مجموعو د نقلولو معموله زويه له منځه یو نه وړه، اوله دې جهته علی بن محمد مدائنی ته (۲۲۵هـ) د منسوبو رسالو په باره کښې اختلاف موجود دی. خو په دې کښې شک نشته چه ستره برخه ئې عیناد ابو عبیده څخه نقله شوې نه ده ځکه چه د خلافت په تاريخ او د بصرې او خراسان په تاريخ کښې د مدني دنورو مهمو تالیفاتو ارزښت او فضل دده په تبحر شهادت وړ کوی مدائنی په ځان پوری مخصوص د مخصوص نقد په اسلوبه په ټولو عربي روایتو نوباندې غورو کړ او د روایت په رښتیا والی کښې ئې شهرت وموند او دده تصنیفات دده نه د وروستيو مصنفينو مرجع وگرځیدله. نوی تحقیقات هم دده د اثارو دقیق والی تا ئیدوی.

(نو ربا)

مرگ بسمل

شب دو شنبه سوم جدی استاد محمد انور بسمل، یکی از شخصیت‌های مهم ادبی کشور، چشم از جهان پوشید. مجله آریانا با نشر قطعه‌ی در رثا و تاریخ وفات استاد خوشنودی روح او را تمنای نماید.



نخل برومندی بخاک افتاد، از باغ ادب
رنگ از رخ گلشن پرید، از غنچه و گل بو برفت
از صر صر تند اجل، واحسر تاخا موش شد
شمعیکه عمری پرتوش، چون نورمه هر سو برفت
واضح بگویم، شاعری، آوتازه کرد از شعر تر
گلزار طبع عالمی، خود خشک لب زین کو برفت

در سن هفتاد و چهار، از جور گردون دلفگار
آن پیر و بیدل گذشت، آن شاعر خوشگو برفت
گو بندۀ فقر آشنا، دانشور صاحب ذکاء
زین وادی پرابتلا، دم کرده چون آهو برفت
دیگر که گوید بعد ازین، شعر تر و نغز و متین
تاکنونکه آن سحر آفرین، چون قدر آب رو برفت
آن حافظ قرآن رب، دل پر نغان خاموش لب
از جمع ادب، آشفته چون گیسو برفت
مضمون رنگین غزل، گشته بمرثیه بدل
بزم سخن شد پر خلل، تا از میان او برفت
رفت وز درد و وریش، اهل سخن را خون دل
از چشمدای چشمها، صبح و مسا چون جو برفت

گفتم ز نام و روز و ماه و زمانه تر حیلش خلیل

(هفتم ماه رجب بسمل سوی مینو برفت)

(۱۳۸۱ ق)



قسمتی از انتشارات انجمن تاریخ

تاریخ افغانستان مربوط به دوره های پیش از اسلام در دو جلد،
 بامیان، بگرام، آثار عتیقه کوتل خیرخانه، صنعت باختر،
 رساله سرخ کوتل، رهنمای بامیان به فارسی، رهنمای بامیان
 به انگلیسی، اسکندر در افغانستان به فرانسه.

تاریخ قدیم
افغانستان



جلد دوم تاریخ افغانستان چاپ اول شامل فصل انتشار اسلام در
 افغانستان و فصل طاهریان در یک رقیه، رساله های صفاریان،
 سامانیان، سلطنت غزنویان، لشکر گاه، خوشنویسان و
 صورتگران هرات، فصلی از خلاصه الاخبار.

دوره های اسلامی



احمد شاه بابا، تیمور شاه در انسی، واقعات شاه شجاع،
 درة الزمان در تاریخ زمان شاه.

دوره جدید

یاد دوره سدوزایی



شرح بارم آریایی، افغانستان در قرن نوزده، در زریابی
 تاریخ معاصر افغانستان، رجال و رویدادهای تاریخی، پادشاهان
 متخر افغانستان جلد اول و دوم، کبر نامه، نوای معارک

دوره معاصر

یاد دوره محمدزایی



فیض قدس، منتخبات اشعار خلیلی، پرده نشینان سخنگوی، نینواز
 بر کهای خزانی، رهنمای افغانستان با نگلیسی، جوان فدایی،
 افغانستان و مصر، گلدسته عشق، استخراج تاریخ در نظم،
 بالا حصار کابل و رویداد های تاریخی.

آثار ادبی و متفرقه



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی